

حکم شاه طهماسب صفوی بر ای پدیرائی همایون پادشاه

توضیح اول

در بخش نسخ خطی موزه بریتانیا سه نوشته خطی از دوره صفوی به صورت طوماری و بشماره های ۴۰۹۳ و ۴۰۹۴ و ۴۰۹۵ به ثبت رسیده است. British Museum. Slona MS. طومار شماره ۴۰۹۳ - حکمی است خطاب به علی خان شاملو از طرف شاه طهماسب صفوی درباره نحوه پذیرائی از همایون پادشاه مغولی هند که به دربار شاه طهماسب پناهنده شده بود. طومار خطی شماره ۴۰۹۴ - صورتی است از کاروانسراهای عهد صفوی که در اطراف مسجد شیخ لطف الله و بازار قرار داشته و نیز صورت کالاهای تجارتی است که در هریک از این کاروانسراها عرضه و یا خرید و فروش می شده است. این نوشته توسط نگارنده در مجله باستان شناسی و هنر (شماره ۵) چاپ رسیده است.

طومار خطی شماره ۴۰۹۵ - نوشته کوتاهی است درباره معماری عهد صفوی. متأسفانه نسخه مزبور کامل نیست و بنظر میرسد قسمتی از آن مفقود شده و یا تحریر آن به اتمام نرسیده است.

محمد یوسف کیانی

توضیح دوم

از لطف دوست گرامی متشکریم که این سند نفیس را به اختیار ما گذاردند تا به طبع برسانیم. اینک متن با اصلاحات فبسی و ضروری و تطبیق کامل با عکسی که از آن به ما سپرده اند طبع می شود و توضیحات ذیل را درباره آن می آوریم.

* - طومار موجود در کتابخانه موزه بریتانیا متأسفانه سواد ای است از حکم شاه طهماسب و لذا در عبارات و کلمات آن اغلاط متعدد هست.

* - از شاه طهماسب در موضوع پذیرائی از همایون پادشاه هندوستان دستور العمل دیگری هم به دست هست که آقای دکتر عبدالحسین نوایی آن را در "شاه طهماسب صفوی" (تهران، ۱۳۵۰) چاپ کرد

* - ضمناً گفته شود طومار کاروانسراهای اصفهان را که آقای دکتر کیانی در مجله باستان شناسی و هنر طبع کرده اند اخیراً آقای دکتر حمید مدنی با ترجمه آلمانی در کتاب " بازار اصفهان " که در شماره ۴ مجله مورد معرفی قرار گرفت به چاپ رسانیده است.

* - چون در مورد مقداری از اصطلاحات و مفردات مندرج در حکم شاه طهماسب توضیحاتی را ضرورتاً در استهای حکم الحاق کرد، و در صورتی که اغلاطی در آنها دیده شود متوجه اینجانب است نه آقای کیانی.

بمنظور ارجاع دادن به مطالب متن حکم، آن را به ۲۸ بند مجزا ساختم که موجب سهولت در تفکیک مطالب از یکدیگر باشد و ضمناً به هربندی شماره ای داده شد که مراجعه آسان باشد. ایرج افشار

(۱) فرمان همایون شد، آنکه رفعت دستگاه عمده‌الامراء حشمت‌انابه، عظمت و دولت و اجلال اکتناه عالیجاه علی‌قلی‌خان شاملو بعبایت و عواطف پادشاهانه سرافراز بوده‌اند که به‌سمع اشراف ما رسید که زبده خواقین، عمده‌السلطانین چنگیزی، خلاصه دودمان گورکانی، پادشاه بن پادشاه، شهنشاه هندوستان همایون پادشاه‌درگاه فلک پناه ما می‌آید، طریقه آن بیگلربیگی و خانلرخانی آنست که اعزاز و احترام پادشاه را چون داخل ممالک ایران شود و مذکور شد که بقلعه کریش رسیده است که اول محال زمین داور یعنی دارالقرار قندهار است / بجای آورد و دقیقه ای / از خدمتگاری و مهمان داری فروگذاشت ننماید و استقبال با استقلال بکند و می‌باید که خیمه و آلا چوب بارگاه از خود روانه کند تا ما تدارک احوال پادشاه بکنیم.

(۲) از این‌جانب دوازده قطار شتر پیش‌خانه به‌مصوب شاوردی بیک روانه فرمودیم، و مقرر کردیم که هرگجا که پادشاه سوار شود شتران را بارکرده روانه گردد و خیمه‌ها و بارگاه و آلا چوب و گریاس که با هجده ستون گویزه طلا و گریاس که از طلسم خطائی و مخمل بر سرپای‌کنند و شامیان در پیش بارگاه بتکد و تجیرالوان از مخمل و اطلس در دور بارگاه و گریاس بکشند و طنابهای ابریشمی بمیخهای زمین ببندند و در گریاس و بارگاه خیمه از زربافت بر سرپای‌کنند بجهت خوابگاه پادشاه.

(۳) و بیست فراس بجهت خدمت فراشی مقرر شد و بیست نفر بیلدار قراردادیم که هرگجا که فرود بیایند زمین بارگاه را هموار نمایند و حوض بلغار را پرآب کرده در بارگاه نصب نمایند و چهل نفر سقا را قرار دادیم که از هرگجا که پادشاه والا جاه سوار شود پیش‌پیش آب بپاشند و خیمه‌رگاب‌خانه از اطلس بنزدیک گریاس و بارگاه بر سرپای‌کنند و قالیهای کار خراسان ابریشمی و گبه و نمدهای جامی و سوزنیا بیندازند.

(۴) و مقرر فرمودیم در بارگاه طناب قورق بکشند یک میدان اسب دورتر و از عقب فراشخانه و پیش‌خانه رفعت دستگاه شاه‌قلی بیک جلودار با حسن مهنرباشی را با هشتده سراسب از آن جمله چهار سر یابوی‌هوار و چهار سراسر خوش راه خاموش از برای پادشاه و ده اسب بدواز برای کتل، همه اسبها و استرها بازین و لجام مرصع و کتیم و کجیم براسبان کتل و جنیبت بیندازند و بپوشانند و بر اسبان و یابو و استر سواری ارتک طلا دوز و گلابتون دوز بیندازند و از عقب فرستادن اسب و جنیبت ایالت پناه آقابیگ استاجلو که توشمال باشی است با بیست نفر طباح.

(۵) و مقرر فرمودیم که توشمال باشی هر روز سیصد لنگری طعام از سرکار پادشاه طیار کند و از عقب او رفعت‌پناه حسن بیک شربت‌دارباشی را قرار دادیم که هر روز بیست خوان نقل و در هر خوان دو کله‌قندو و گوارش الوان مثل گوارش مصطکی و گوارش زرشک و گوارش زعفران و گوارش لیمو و آب‌نبات و قرص لیمو و قرص عنبر و دیگر قرصها مثل حلوائی شکر و لوزینه و غیرها در محل کیف خوردن پادشاه و کیف‌دانهای طلا و نقره قرار دادیم و در کیف‌دانها مفرح یا قوتی و فلونیا و حب لؤلؤئی و تریاک کازرون و فلاسفه و معجون اسکندری و حب جدوارو معجون مروارید و کونکار که با زعفران بگیرند با تنقلاّت بحضور پادشاه ببرند.

(۶) و درمحل طعام شربت / دار / را قرار دادیم دویست پیاله ترشی الوان مثل ترشی گشمش و ترشی پوست نارنج و افشیره گلپهر و افشیره آب لیمو و چاشنی آن از قندو دویست نعلبکی سبزی از ترب و نعناع و پیاز تازه و غیرها به مجلس به سر سفره حاضر سازد .

(۷) و از عقب عزت آثار آقا لطف علی حویجدار را فرستادیم با بیست قطار شتر از برنج و روغن و نخود و ماش و گشمش طعام و بسته هاش شکر و پیاز و نمکو و زغال آخته و زرشک خشک و قیصی خشک و کشک و پنیر قزوین و ماست درگزین و برنج نیلوفر و شیشه های آب لیمو و خیکهای رب نار و نخود لپه و ماش کرگرفته کرده و آرد گمشه با اسناد حاجی علی خان چورکچی خاصه با دوازده نفر عمده چورکخانه ، و هر یک از کارخانه ها که فرستاده میشود سی نفر عمده در هر کارخانه به خدمت باشند .

(۸) و در عقب ایشان عطارخانه فرستادیم که دواها و ادویه حاره مثل فلفل و دارچینی و زیره کرمانی و زنجبیل خشک و زنجبیل پرورده و آمله و هللیه پرورده و زعفران پانصد مثقال و نبات سفید و جندبیدستر و مصطکی و دواهای دیگر از هر یک یک عدل به مصحوب حاجی زمان عطار فرستاده شد با دوازده نفر عمده عطارخانه .

(۹) و از عقب ایشان رفعت پناه علیخان بیک صاحب جمع قیچاجی خانه را با شش خروار متاع از زربفت کارگشان و یزد و چهار ذرعی کار اصفهان و چهار ذرعی ساده و قطنی و اطلس زربفت زمینه طلا و زمینه نقره و شال طرمه و شال کشمیر و مندلیهای زرینار کار فطن و قطنی ساده و قطنی لپه دار و بته دار و الچه ماو کارهند و الچه کساری و الچه کاریزد و تفضیله یزدی بجهت زیردانی و قصب کار قزوین و دستارهای باریک مثل سیری صاف و چیت قلمکار و چند دنلق سمور و سنجاب و خز و غیره و استاد اللهوردی خیاط با چهارده نفر خیاطخانه و چهار بسته لندره الوان با پنج نفر پوستین دوز و یک خروار پوست کبود بخارانی و پوست قلمه نازک* فرستاده شد که هر چه در نظر / پادشاه خوش آید و بقامت و اندام بریده تمام کنند و هر یک از این کارخانه خیمه و آلا چوب و دو دری و تجیر و سایه بان در هر منزل که اردوی فلک شکوه نزول اجلال نماید کارخانه ها حاضر باشند . * و نیم رس نازک

(۱۰) و ایالت دستگاه کلب علی سلطان بساؤل را با هشتاد نفر بساؤل در خدمت قیام نمایند و دولت مآب سلطان علی بیک سفرهچی سرکار خاصه را با هجده نفر سفرهکش در خدمت باشند و متعلقان پادشاه را عزت و احترام نمایند ، و قانون کلب علی آن است که عصا بدست (در حضور) پادشاه حاضر باشد و چون بارگاه و گریاس پادشاهانه و بارگاه ملوگانه را بر سر پا بکنند با طنابهای ابریشمین و سایه بانها طناب قورق را بکشند و بساؤلان با خم پیهایی زرین و سیمین در دست حاضر باشند و نگذارند که کسی از طناب بیرخصت پادشاه داخل بارگاه شود و همیشه کتل و جنبیتهای خاصه کز گر بارگاه باطناب ابریشمی زین کرده و سطلهای طلا و نقره و میرآخورباشی حاضر باشند و یک دینار از رعایا از سوری و اقامت نگیرند .

(۱۱) و عزت مآب دولت انتساب خاندان قلی بیک چراغچی باشی را با دوازده نفر عمده چراغ خانه را قانون آنست که هر شب دوازده پیهسوز طلا و نقره و دوازده شمعدان طلا و نقره با شمعهای کافوری در بارگاه و مجلس بهشت آئین بسوزانند و مجمره ها و بخور خوشبوی بکار برند و هشت مشعل

طلا و نقره کز کربارگاه بزنند و در هر کارخانه که فرستاده‌ایم دو مشعل روشن کنند و آنچه لازم - پادشاهانه است بجا آورند.

(۱۲) و چون صبح شود فراشان بارگاه و در بارگاه را پاکیزه کنند و ناشتائی پادشاه و مردم او را هجده خوان از آمله و هلیله و زنجبیل پرورده با نانهای کلیجه روغنی و گاکائی و پنیر خوب و مسکه و شیره نبات درخوانها و در نعلبکیهای چینی کرده بحضور ببرند، و وقت کیف پادشاه کیف‌دانهای طلا با آفتابه سلیمه طلا و نقره بحضور پادشان حاضر سازند.

(۱۳) و در محل شب در مجلس بهشت آئین شمعدانها و پیه‌سوزها/ و زیر پی‌سوزها/ی/ گلابتون بیندازند، و در شیلان کشیدن سیصد لنگری طلا و نقره و چینی با سرپوشها حاضر کنند، و در پیش مردم پادشاه هر سه یک لنگری با تر شپها و سبزیها و پیاله‌های افشره از آب لیمو و افشره گله / پر / بنهند. (۱۴) و در وقت سفره انداختن سفره‌های زربفت و مطبق و چیت قلمکار انداخته شود و پیش زرتاری در دامن پادشاه بیندازند.

(۱۵) و در محل سفره برچیدن آنچه از طعامها میماند نوکران و مجلس نشینان بردارند کسی مانع نشود، بهر طریق که خواهند بخورند.

(۱۶) و در وقت خوردن ماحضری صدخوان دوری بزرگ، در هر خوانی دوچرک و نعلبکی پنیر و پیاله ماست و یک بوشقاب ... فرداعلا و یک بوشقاب خریزه شیرین و نعلبکی مرای سیب و مرای بالنگ / و / مرای زرشک / و / مرای آلبوخارا و مسکه بگذارند و در پیش هر کس یک خوان بنهند و در پیش پادشاه یک خوان بطریقی که مذکور شدو یک لنگری دیوانی قلیه چلا و یک لنگری قیمه چلا و.

(۱۷) طریقه سلطان علی بیگ آنست که در برابر پادشاه به دوزانوی ادب بنشیند، خواه در وقت ماحضری خوردن و خواه در وقت طعام و شیلان به مجلس آوردن.

(۱۸) و توشمال را قاعده آنست که در کار خود مشغول باشد و هر روز از پیشخدمتها احوال بپرسد و پیشخدمتها و انیمان پادشاه برسانند که چه طعام بپزیم، آنچه پادشاه بفرماید آن را بپزند.

(۱۹) و سواى فرمایش پادشاه مقرر شد که هر روز دزده بریان و چلا و قلیه، و لیمو پلاو، و ششده رنگه چلاو، سیاه پلاو، و بیره پلاو، زرده پلاو، شکر پلاو، گوگو چلاو و باکباب مرغ بچه و شامی کباب و انار پلاو و دوپایزه و آتش حبشی و آتش ماست و آتش ماهیچه و بورانی و قلیه مرغ و ماش پلاو و یخنی پلاو باین قرار طبخان بپزند و حلویات هم به مجلس عالی حاضر کنند، مثل حلواى دارچینی و پالوده و فرنی و سایر حلویات که مقرر فرموده‌ایم به مجلس حاضر کنند.

* پهبتی

(۲۰) و چون پادشاه سوار شود سه کس بر یخدانها سوار شوند و در یخدانها از خوردنیها مثل کباب مرغ و حلواها و یخنی و پنیر و نانهای روغنی و تفتان روغنی در طلاسهای نقره کرده در سفره - های زربفت پیچیده در یخدانها بگذارند که اگر پادشاه (را) در راه میل خوردن شود حاضر باشد.

(۲۱) و کلب سلطان یساوول صحبت را مقرر کردیم که هرگاه پادشاه سوار بود او پیشاپیش با یساوولان یک تیر پرتاب دورتر از پادشاه و مردم پادشاه هم یک تیر پرتاب دورتر از پادشاه بپایند مگر خاصان و پیشخدمتان که نزدیک پادشاه باشند و نزدیک پادشاه بروند و در محلی / که / پادشاه سوار

شود دوازده شاطر با زنگهای زرین و قرقاوله‌ها بر بالای کلاهها بزنند و قنطوره‌های زربفت و نجق‌های زرین در بند دست بیندازند.

(۲۲) و چون پادشاه سوار شود کارخانه‌ها را بار شتران کرده پیش از پادشاه روانه شوند و پیش خانه پیش از پادشاه بر شتران با درفتار بار کرده بمنزل دیگر خیمه‌ها و بارگاه بزنند و طناب قورق بکشند و هر روز یک فرسخ یا دو فرسخ / بیش / نروند و سقایان و رانیه‌کشان مشکها و خیکها را پسر آب کرده و بر استران بار کرده آب بیاشند و بیلداران پیش تر بروند و راهها همواره کنند و سقایان آب بیاشند تا گرد و غبار راه فرو نشیند.

(۲۳) و مقرر فرمودیم که چون به دارالسلطنه هرات پادشاه برسد ایالت و شوکت پناه علیقلی - خان مهمان دارباشد و سرکاری کارخانه و آنچه در این حکم عز صدور یافته است دستور العمل خود ساخته بدان عمل نماید. و چون به هرات برسد مردم شهر استقبال نمایند و آنچه لازمه عزت و احترام است بجا آورند.

(۲۴) و چون به مشهد مقدس معلی برسد رفعت دستگاه صفی قلی خان حاکم مشهد مقدس با لشکریان و توابع خود استقبال نماید و متولی‌باشی با متولیان به پیشواز بیایند و چون پادشاه اراده زیارت داشته باشد او را داخل روضه متبرک سازند و احترام پادشاه بجا آورند.

(۲۵) و چون از مشهد بیرون آید همه جا به طریقی که فرموده‌ایم بجا آورند.

(۲۶) و چون به شهر دامقان و نیشابور * رسند بهمین طریق با پادشاه سلوک نمایند.

(۲۷) و چون به سمنان برسد حاکم و کلانتر او / وزیر سمنان استقبال نمایند و آنچه پیشکش‌که ایشان را مقدر باشد بنظر پادشاه بگذرانند و چون پادشاه در بارگاه قرار گیرد امراء و بزرگان به پیش طناب قرق با یساولان بایستند، تا آنکه رخصت بدهد داخل بارگاه شوند و او را از راه مازندران بیاورند و چون به شهر اشرف و هزار جریب برسد استقبال نمایند و هرگونه حرمت و عزت باشد بجا آورند. باین دستور تا به یک منزلی قزوین برسارند و نواب اشرف ما به نفس نفیس خود با امراء و ارکان یگان / یگان / استقبال کنند.

(۲۸) و می‌باید که چون بنزدیک برسند قرق بکشند و کارخانه‌ها جا بجا خیمه بزنند و بارگاه را بر سرپاکنند و مرکبان جنیبت را بر دربارگاه در زیر سایه‌بان ببندند و سطهای طلا و نقره حاضرکنند و اساسه (گذا) پادشاهی را بنمایند و هرکه / از ارکان که به پابوسی پادشاه مشرف شود یگان یگان پادشاه را کرنش و تسلیم کنند و صحبت یساول می‌باید که نام امرا را یگان یگان به پادشاه عرض کند. تا ما خود بدیدن پادشاه بیائیم و در عهده دانند و از فرموده نگذرند. * - + طناب

لغات متن

چون درین متن فرمان اصطلاحات و لغات زیاد مرتبط با تمدن عصر صفوی و مقررات مدنی و اجتماعی وجود دارد لازم دید که آنها را استخراج کند تا آسان‌تر در دسترس محققان باشد.

* بند ۲۶ در متن در سطر سوم بند ۲۷ آمده بود و چون باوضع جغرافیایی تطبیق نداشت درینحاق قرار داده شد. (۱.۱).

از اسامی غذاها آنچه در متون آشپزی عصر صفوی (تهران، ۱۳۶۰) آمده با علامت (ص) مشخص

شده است (۱.۱).

چراغخانه ۱۱	آب‌نیات ۵
چراغچی باشی ۱۱	آبلیمو ۷
چرک (چورک) ۱۶ (نان)	آردگمشه ۷ (اگرگمشه شکلی ارقمته نباشد فعلاً معنی معلوم نیست.
چلاو قلیه ۱۹	آش حبشی ۱۹ (در آشپزی صفوی قلیه، حبشی آمده)
چورکچی ۷ - چورکخانه ۷	آش ماست ۱۹ (ص) - آش ماهیچه ۱۹ (ص)
چهار درعی اصفهان ۹ (پارچه‌ای بوده) - چهار - درعی ساده ۹	آفتابه سلیجه ۱۲ (سلیجه بصورت سلفجه بیشتر مصطلح است)
چیت فلماکار ۹، ۱۴ (بصورت مضاف و مضاف‌الیه)	آلاچوب ۹، ۲۰، ۱ (ظاهراً "آلاچوق و آلاچیق")
حب جدوار ۵ - حب لؤلؤ ۵	آمله ۱۲، ۸
حلوای دارچینی ۱۹ - حلوای شکر ۵	ارتک‌طلا دوز ۴ (ارتک‌شناخته شد) - ارتک کلابتون - دوز ۴
حوص بلغار ۳ (ظاهراً "حوضی که از چرم درست می‌کردند برای سفر)	اسب ۴، اسب‌بدو ۴، اسب کتل ۴
خویج‌دار ۷	استر سواری ۴، استرخوش راه خاموش ۴
خربوزه ۱۶	اطلس خطائی ۲، اطلس زرینت ۹
خر ۹	افشره آب‌لیمو ۱۳، ۶ - افشره گل‌بیر ۱۳، ۶ (= کلپر)
خم‌بی ۱۵ (شناخته شد)	الجه، کساری ۹ (کساری شناخته شد) - الجه، هندی ۹ - الجه، بزدی ۹
خوان ۱۶، ۱۲، ۵	انار پلاو ۱۹ (ص)
خیاط ۹، خیاطخانه ۹	بخور ۱۱
خیک ۲۲، ۷	برنج ۷ - برنج نیلوفر ۷
خمیه ۲۸، ۹، ۳، ۲، ۱ - خمیه، رکابخانه ۳	بره پلاو (ص)
دارچینی ۱۹، ۸	بورانی ۱۹ (ص)
دزده بریان ۱۹	بوشقاب ۱۶
دستار باریک ۹	بیل‌دار ۲۲
دلق خز ۹، سمور ۹، سنجاب ۹	پالوده ۱۹
دوپیازه ۱۹	پنیر ۱۲، ۱۶، ۲۰، پنیر قزوین ۷
دودری ۹	پوست بخارائی ۹
دوری ۱۶	پوست قلمه ۹
رابیه‌کش ۲۲	پوستین دوز ۹
ربانار ۷	پیاز ۷، ۶
رکابخانه ۳	پیشخانه ۲، ۴، ۲۲
روغن ۷	پیش زرناری (?) ۱۴ (نوعی پیشند)
زره‌بافت (زرینت) ۹، ۲	پیه‌سوز ۱۱، ۱۳
زرینت کاشان ۸، زرینت یزد ۸	تجیر ۹، تجیر اطلس ۲، تجیر محمل ۲
زرتار ۱۴، ۹ (ظاهراً "پارچه‌ای که در آن رگه طلا) بوده)	ترب ۶
زرده پلاو ۱۹ (ص: زرد پلاو)	ترشی پوست نارنج ۶
زرشک ۷	ترشی کشمش ۶
زعفران ۸	تریاک کارون ۵
زنجبیل پرورده ۱۲، ۸، زنجبیل خشک ۸	تغتان روغنی (نان) ۲۰
زوغال‌اخته ۷	تغصیله بزدی ۹
رگ‌زرین ۲۱	تنقلات ۵
ربر پیه‌سوز کلابتون ۱۳	توشمال ۱۸، توشمال باشی ۴
زبردانی ۹	جلودار ۴
ربره‌گرمایی ۸	چند بیدستر ۸
سایه‌بان ۹	جنینیت ۲۸، ۱۰، ۴
سیری ۶	

شکر بلاو (ص)	سفره جی ۱۰
ششده رنگه جلاو ۱۹	سفره چیت فلمکار ۱۴ ، زوبغت ۱۴ ، مطبق ۱۴
شمع کافوری ۱۱	سفره کش ۱۰
شمعدان ۳۱ ، ۱۱	سقا ۲۲
شیره نبات ۱۲	سلجیه ۱۲
صحبت بساول = بساول صحبت	سطل ۲۸ ، ۱۰
طاس نقره ۲۰	سوری ۱۰ (ظاهرا" بمعنی مهمان)
طباخ ۴	سوزنی ۳
طره ۴	سپاه بلاو ۱۹ (ص)
طناب ابریشمین ۱۰ ، ۲	سیری صاف (؟) ۹
طناب قروق ۲۸ ، ۲۷ ، ۲۲ ، ۱۰ ، ۴	شاطر ۲۱
عطارخانه ۸	شال طرهمه ۹ (ترمه) ، شال کشمیر ۹
فراش ۱۲ ، ۳	شامی کباب ۱۹
فراشخانه ۴	شامیانہ ۲
فرنی ۱۹	شتر ۲۲ ، ۷ ، ۲
فلاسه ۵ (ارکلیات)	شریندار ۶ ، شریندار باشی ۵
فلعل ۸	شکر ۷

فَہائُونَ مُدَّ اَیْلَہُ رَعْمَتِ دَسْتِکَاہِ مُحَمَّدِ الْاَمْرِ

هَمَلَتْ وَدَوْلَتْ وَاجْلَوْلِ اَکْبَانِہٖ عَلَیْہِمْ عَلَیْہِمْ عَلَیْہِمْ عَلَیْہِمْ عَلَیْہِمْ عَلَیْہِمْ
 بِنَائِہٖ وَهَوَاطِیْفِہٖ یَا دِشَاہَانِدَ سَرَافَرَاذَ بُوْدَہٖ بَدَانِدَ کَرِہٖ بَسْبِیْحِ اَکْرَبِہٖ
 رَسَبِدَ کَرِہٖ نُبْدَہٖ خَوَاقِیْنِ عُمَدِہٖ السَّلَاطِیْنِ چَنکِیْرِی خُلَاصِدِہٖ
 دُوْدَ مَانِ کُوْرُکَانِ یَا دِشَاہِ بِنِ یَا دِشَاہِ شَهْنَاہِ ہِنْدُو سَنَانِ
 فَہَائُونَ یَا دِشَاہِ بَدِزْکَاہِ فَلَنْ یَبَاہِ مَا مِیْ اَیْنِ طَرِیْقَہٖ اَنْ بَکَلِیْہِ بَکِیْ
 وَخَانَدِ خَاطِیْنِ اَسْتِہٖ کِہٖ اَعْرَاذَ وَ اِحْتِرَامِ یَا دِشَاہِ رَا جَوْدَ دَاخِلِہٖ
 تَمَالِکِ اِیْرَانَ سَعُوْدَہٖ وَ مَدْکُوْرَہٖ مُدَّ کِہٖ بَقْلِعْمَہٖ کَرِہٖشِ وَ سَبْدَہٖ اَسْتِہٖ کِہٖ
 اَوَّلِ مَحَالِ زَمِیْنِ یَعْنِیْ دَارَ الْقَرَارِہٖ مُدَّ ہَارِ نَجَابِیْ اَوْرَدَہٖ وَ دَقِیْقَہٖ اَنْ

- فلونیا ۵ (از کلیات)
 قالی خراسانی ۳
 قمیچاچی خانه ۹
 قرفاول ۲۱
 قرص عنبر ۰۵ - قرص لیمو ۵
 قصب قزوینی ۹
 قطنی ۰۹، قطنی بنه دار ۰۹، قطنی ساده ۰۹ قطنی -
 لیه دار ۹
 قلمکار ۰۹، ۱۴
 قلیه جلاو ۰۱۶ - قلیه مرغ ۰۱۹ (ص)
 قنطوره ۲۱
 قیصی خشک ۷
 قیصه پلاو ۰۱۶ (ص)
 کارخانه ۰۷، ۰۹، ۰۱۱، ۰۲۲، ۰۲۳، ۰۲۸
 کاکائی (نان) ۱۲
 کباب مرغ ۰۲۰، کباب مرغ بچه ۰۱۹
 کنتل ۰۴، ۱۵
 کرکره کردن (۷ پوست گرفتن از حیوانات و نیمه کردن آن)
 کریاس ۰۲، ۱۵
 کشک ۷
 کشمش طعام ۷
 کله قند ۵
 کلیچه (نان) ۱۲
 کوکنار ۵
 کوکوجلاو ۱۹
 کوسبزه طلا ۲
 کیف ۰۵، ۱۲، کیف دان ۰۵، ۱۲
 گبه ۳ (نوعی قالیچه، عشایری)
 گلایتون ۴
 گوارش الوان ۰۵ - زرشک ۰۵ - زعفران ۰۵ - لیمو ۰۵ - مصطکی ۵
 لیه ۷
 لندره ۹
 لنگری ۰۵، ۱۳، ۱۶ - لنگری چینی ۰۱۳، لنگری -
- دیوانی ۱۶
 لورینه ۵
 لیموپلاو ۰۱۹ (ص)
 ماست ۰۱۶، ماست درگزین ۷
 ماش ۷
 ماش پلاو (ص)
 مجمره ۱۱
 مخمل ۲
 مربای آلوبخارا ۰۶۱ - بالنگ ۰۱۶ - زرشک ۰۱۶ -
 سیب ۱۶
 مسکه ۰۱۲، ۱۶
 مشعل ۱۱
 مشک ۲۲
 مصطکی ۸
 معجون اسکندری ۰۵ - مروارید ۰۵ - یاقوتی ۰۵ -
 (همه از مکيفات)
 مندیل زرتار ۹
 مهترباشی ۴
 میخ زربین ۲
 نان نغتان روغنی ۰۲۰، نان روغنی ۰۲۰، نان کاکائی
 ۰۲۰، نان کلیچه ۰۲۰
 نبات ۰۱۲، نبات سفید ۸
 نجق ۲۱
 نخود ۷
 نعلبکی ۰۱۶، ۰۰۶ - نعلبکی چینی ۱۲
 نغناغ ۶
 نفل ۵
 نمدجامی ۳
 نمک ۷
 هلیله ۰۱۲، هلیله پرورده ۸
 یابوی رهوار ۴
 یخدان ۰۲۰
 یخنی ۰۲۰، یخنی پلاو ۰۱۹ (ص)
 یساول ۰۱۰
 یساول صحبت ۰۲۱، ۲۸

اسناد تاریخی ایران

مقاله (شماره ۹ - ۱۰)

سال تا سیس سازمان اسناد ملی ۱۳۴۹ است.

از فهرستهای تهیه شده در سازمان اسناد ملی نام "اسناد علاءالدوله" (۳ جلد) افتاده است.

فهلوی

ز بسدوز سودوانی دی... نه خوش...

کام و هر باش گهانم وی نه خوش...

بهیچم گونه دل نه گیسره آرام

بهیچ آیین گهانم وی نه خوش...

خوسروان ساه وی... نه خوش نی

اج ولان رنگ اوی بوی تو خوش...

خُور سونیاکی وی ته ران ساتن

خوش هبا کش ده و از وی تو خوش

این ابیات که با عنوان "فهلوی" نقل شد منقول است از ورق ۳ الف نسخه خطی شماره ۱۸۴۱۲ مجلس سنا. ابیات در حاشیه آن ورق کتابت شده و متأسفانه چون بر لبه ورق بوده است هم بعلت برش لبه قسمتی از انتهای مصاریع بریده شده و هم بعلت سائیدگی بعضی کلمات ناخواناست. مع هذا آنچه از آن قابل نقل بود نقل شد. نسخه در سال ۹۸۰ در بلاد طرابوزن و ارز روم (عثمانی) کتابت شده و علی الظاهر این ابیات هم از همان ایام است.

